

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۲۸ اگست ۲۰۱۶

## ارتش شیعه در مقابل ارتش سنی و گسترش جنگهای فرقه‌ئی!

آیا جنگ‌های فرقه‌ئی شدیدتری در انتظار خاورمیانه است؟ آیا سرانجام ارتش شیعه به رهبری حکومت اسلامی ایران و ارتش سنی به رهبری عربستان سعودی و حامیان منطقه‌ئی و بین‌المللی آن‌ها مستقیماً با هم درگیر خواهند شد؟! اخیراً روزنامه عربی «الشرق الاوسط» از ایجاد «ارتش آزادی‌بخش شیعی» در سوریه خبر داد. فرماندهی این ارتش را فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران «قاسم سلیمانی» بر عهده خواهد داشت. این ارتش در سه جبهه سوریه، عراق و یمن فعالیت و حضور خواهد داشت.

سردار محمد علی فلکی، فرمانده نیروهای ارتش ایران در جبهه سوریه، روز پنجشنبه ۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۵-۱۸ اگست ۲۰۱۶م، به‌خبرگزاری مشرق اعلام کرد که در ارتش آزادی‌بخش شیعی تنها نظامیان ایرانی حضور نداشته و جنگ‌جویان تحت حمایت ایران از تمامی خاور میانه نیز حضور فعال خواهند داشت.

فلکی، اعلام کرد که ارتش آزادی‌بخش شیعی مجبور است مدت زمان زیادی را در سوریه و در منطقه مرزی بین سوریه و اسرائیل باقی بماند. استقرار این نیروها ممکن است تا ۲۵ سال ادامه یابد.

محمدعلی فلکی، از فرماندهان سپاه در سوریه، ضمن اشاره به تشکیل «ارتش آزادی‌بخش شیعی» به رهبری قاسم سلیمانی، از نقش نیروهای افغان به رهبری سپاه پاسداران در جنگ داخلی سوریه تقدیر کرد.

این فرمانده سپاه از این که در ۳۰ سال گذشته، همواره به‌افغان‌های ساکن ایران به‌عنوان «عمله سر چهارراه یا خلافکار» نگاه شده، انتقاد کرده و گفت: «فکر نکنیم ما ایرانی‌ها در سوریه می‌جنگیم. این مردان افغان هستند که آن‌جا تحت فرماندهی ما حماسه‌آفرینی می‌کنند».

به‌گزارش روز پنجشنبه ۲۸ مرداد، وبسایت مشرق‌نیوز، فلکی که در جنگ عراق و ایران، از فرماندهان یگان تیپ ادوات لشکر ده «سیدالشهداء» بوده، افزود که جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته نتوانسته از «پتانسیل» افغان‌های مقیم ایران استفاده کند.

به‌گفته او، «خیلی بد است» که ۳۰ سال شیعیان افغان را «نادیده گرفتیم و آن‌ها را فقط با نگاه عمده سر چهارراه و یا خلافکار دیده‌ایم. این نسل آمدند و در سوریه با آن حماسه و با آن ایثار و شجاعت و شهامت، تحت فرماندهی نیروهای ایرانی، خوش درخشیدند».

این فرمانده بازنشسته سپاه اضافه کرد: «نگاه بدی که در این چند ساله به برادران و خانواده‌های افغان داشته‌ایم، باعث شده از این پتانسیل بسیار قدرتمندی که در مملکت‌مان داشتیم، به‌خوبی استفاده نکنیم».

به‌گفته او، «همین که در این چند دهه نتوانستیم رابطه صمیمی با برادران افغان در ایران داشته باشیم، آن‌جا (در سوریه) هم این مشکل را داریم. نمی‌توانیم به خوبی با آن‌ها ارتباط بگیریم».

او همچنین پرداخت حق مأموریت بالا به «مدافعان حرم» را رد کرده و گفت: «والله آدم‌هایی که از ایران به سوریه می‌آیند، ماهی صد دالر به عنوان عیدی بهشان می‌دهند».

به‌گفته فلکی، دولت افغانستان برای افغان‌هایی که «به‌نبرد سوریه بیاید، هفده هیجده سال زندانی در نظر گرفته‌اند».

اظهارات او پس از آن بیان می‌شود که گزارش‌های متعددی از راضی شدن شماری از افغان‌های مقیم ایران به شرکت در جنگ سوریه به‌نفع بشار اسد در ازای دریافت پول و اجازه اقامت در ایران منتشر شد.

با آن که این گزارش‌ها هیچ‌گاه از سوی مقام‌های رسمی حکومت اسلامی تأیید نشده است، اخبار و تصاویر بسیار از افغان‌های کشته‌شده در سوریه در رسانه‌های حکومت اسلامی، گستردگی اعزام آن‌ها به‌مناطق درگیری در این کشور را به‌خوبی نشان می‌دهد.

محمدعلی فلکی از جمله «ضعف‌های» حکومت اسلامی در قبال شیعیان را «هزینه کردن» برای شیعیان لبنان و یمن و بحرین، اما بی‌اعتنائی به شیعیان افغان ساکن ایران عنوان کرده است.

او بخشی از «ضعف‌های ایران در سوریه» را ناشی از این بی‌اعتنائی به افغان‌ها دانسته و افزود: «ما در لبنان سید حسن نصرالله را پیدا کرده‌ایم در حالی که در این‌جا از بین این همه روحانی فعال و انقلابی، یک نفر لیدر و رهبر حاضر در عرصه نبرد را نشناخته‌ایم و این خیل عظیم نیرو (افغان‌ها) را سازماندهی نکرده‌ایم».

به‌گفته فلکی، افغان‌هایی که از سوی جمهوری اسلامی تحت عنوان «لشکر فاطمیون» به سوریه اعزام می‌شوند، تحت فرمانده قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، «از سقوط زینبیه و دمشق و فرودگاه ممانعت کردند... اول آن‌ها رفتند و پیشقراول بودند. فکر نکنیم ما ایرانی‌ها در سوریه می‌جنگیم. این مردان افغان هستند که آن‌جا تحت فرماندهی ما حماسه‌آفرینی می‌کنند».

او با اشاره به حضور لشکر زینبیون متشکل از پاکستانی‌ها، لشکر حیدریون متشکل از عراقی‌ها و لشکر حزب‌الله شامل نیروهای حزب‌الله لبنان و سوریه در مناطق جنگی سوریه، از فعالیت چشمگیر لشکر فاطمیون که هدایت آن را سپاه پاسداران به‌عهده دارد، سخن گفته است.

این فرمانده سپاه افزود: «ما در این لشکرها هم در سطح صف و هم در ستاد، فرماندهانی از سپاه و نیروهای خودشان داریم. این لشکرها در کنار هم با یک لباس، با یک پرچم و با یک سازمان در یک جبهه، جهاد می‌کنند».

فلکی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تشکیل «ارتش آزادی‌بخش شیعی» به‌فرماندهی قاسم سلیمانی اشاره کرده که در سه جبهه سوریه، عراق و یمن در حال نبرد است.

او گفت: «قرار نیست که همه این ارتش از نیروهای ایرانی باشند. در هر منطقه‌ای که احساس می‌شود این ارتش در آن‌جا نیاز است، با ساماندهی مردم همان منطقه، نیروی لازم تأمین می‌شود».

این فرمانده سپاه حاضر در سوریه، حضور نیروهای ایرانی به‌عنوان «عمل‌کننده» در سوریه را «تدبیر» ندانسته و افزود: «ما دنبال این هستیم که بچه‌هایی که می‌توانند آموزش و سازماندهی بدهند و مدیریت کنند به سوریه بروند و نیروهای خود آن مناطق، وارد عمل بشوند».

او هدف از تشکیل هسته اولیه ارتش آزادی‌بخش را نیز چنین توصیف کرده است: «با این هدف که ان‌شاءالله قرار است ما ۲۳ سال دیگر به‌نام اسرائیل، چیزی نداشته باشیم. الان این لشکرها کنار مرز اسرائیل هستند. پایه و اساس این مبارزه را همین برادران فاطمیون گذاشتند».

گفته‌های این فرمانده سپاه در حالی بیان می‌شود که مقام‌های حکومت اسلامی همواره حضور میدانی در نبرد سوریه را تکذیب کرده و مدعی شده‌اند که در این کشور آن هم به‌خواست بشار اسد، تنها حضور مستشاری دارند.

این سردار سپاه ترور و وحشت و مافیائی حکومت اسلامی، هنگامی از حمایت از افغان‌ها دم می‌زند که حکومت‌شان در سال‌های اخیر، سیاست نژادپرستانه و پاک‌سازی ملی علیه شهروندان افغانی‌تبار در سراسر ایران را با سرعتی غیرقابل وصف به‌اجراء درآورده است. عناصر تبه‌کار و ارگان‌های نژادپرست و راسیست حکومت اسلامی، حتی «ممنوعیت ارائه خدمات و مواد غذایی به‌اتباع بیگانه غیر مجاز» در برخی استان‌ها وضع کرده‌اند.

در پی سیاست اخراج افغان‌های «غیرقانونی» و اخراج صدها هزار نفر از پناهندگان و مهاجران به‌افغانستان در سال‌های گذشته، و حذف بسیاری از خدمات اجتماعی و بهداشتی و آموزشی به‌خانواده‌های افغانی، استانداری‌ها و مراکز استانی هر روز شدیدتر از روز پیش سیاست‌های سرکوبگرانه جدیدی علیه شهروندان افغانی‌تبار ایران اعلام و به‌مرحله اجراء درمی‌آورند، گذاشتند. از این نمونه‌ها می‌توان به‌ممنوعیت ورود افغان‌ها به‌پارک‌ها در برخی شهرها، اخراج آن‌ها از شهرهای مازنداران، ممنوعیت ورود آن‌ها به‌بسیاری از استان‌های کشور، ممنوعیت تحصیل در دانشگاه‌ها و مدارس عالی و حتی مدارس، به‌گلوله بستن یک گروه از افغان‌ها از سوی نیروهای نظامی در ششم تیرماه [سرطان] ۱۳۹۱ در روستای چهارستون از توابع سلماس در مرز ایران و ترکیه، که در نتیجه آن ۱۸ نفر دردم جان باختند و ۵ نفر نیز به‌شدت زخمی شدند، اشاره کرد. حتی گزارش‌های زادی منتشر شده است که برخی از افغان‌ها به‌زور به‌جنگ داخلی افغانستان فرستاده شده‌اند. بنابراین، افغان‌ها مورد نظر این سردار سپاه، بی‌تردید افغان‌هایی هستند که با حکومت اسلامی ایران هم‌فکر و هم‌دم هستند.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران نیز روز دوشنبه ۳۱ خرداد [جوزا] در بیانیه‌ای بی‌سابقه، حکومت بحرین را تهدید کرد که سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم، روحانی برجسته شیعه، به «مقاومت مسلحانه» و «سقوط رژیم بحرین» منجر خواهد شد.

قاسم سلیمانی که گزارش‌ها حاکی از حضور او در سوریه است، در بیانیه خود گفته است: «تجاوز به‌حرم شیخ عیسی قاسم خط قرمزی است که عبور از آن شعله‌ای از آتش را در بحرین و سراسر منطقه پدید خواهد آورد و برای مردم راهی جز مقاومت مسلحانه باقی نخواهد گذاشت».

او افزوده است که حکومت بحرین «قطعاً تاوان» سلب تابعیت عیسی قاسم را «پرداخت خواهد کرد و نتیجه آن جز نابودی این رژیم سفاک نخواهد بود».

قاسم سلیمانی، چندی پیش در بیانیه خود گفته است: «به‌نظر می‌رسد آل خلیفه از حرکت مسالمت‌آمیز مردم سوءاستفاده کرده و برآورد دقیقی از خشم مردم ندارد».

فرمانده نیروی قدس سپاه افزوده است: «حامیان آل خلیفه بدانند اهانت به‌شیخ شیخ عیسی قاسم و استمرار فشارهای بیش از حد به‌مردم بحرین سرآغاز انتفاضه خونینی است که عواقب آن به‌عهده کسانی خواهد بود که به‌گستاخی حکام بحرین مشروعیت می‌دهند».

این شاید نخستین بیانیه صادره از سوی قاسم سلیمانی در مورد یک موضوع خارجی باشد. او معمولاً اقدام به‌سخن‌رانی کرده و موارد اظهار نظرهای مستقیم او درباره مسائل داخلی و خارجی اندک بوده است.

بیانیه فرمانده نیروی قدس در حالی صادر شده است که وزارت امور خارجه ایران موضع ملایمتری گرفته است و ضمن محکومیت سلب تابعیت عیسی قاسم گفته که «این اقدامات، امید به اصلاح امور از طریق گفت‌وگو و روش‌های مسالمت‌آمیز را از بین می‌برد».

وزارت امور خارجه ایران به دولت بحرین «توصیه» کرده که «با پایان دادن به برخوردهای فراقانونی، از تخریب همه پل‌های ارتباط با مردم و رهبران میان‌روزی این کشور پرهیز و با پذیرش واقعیت‌های کشور و برگزاری گفت‌وگوهای جدی ملی به بحران جاری در بحرین خاتمه دهد».

گروه حزب‌الله لبنان که از سوی بحرین متهم به حمایت از مخالفان حاکمیت منامه است، نیز بیانیه تندی منتشر کرده و تصمیم حکومت بحرین را «امری به شدت خطرناک» توصیف کرده و هشدار داده است که «این اقدام پیامدهای وخیمی برای نظام حاکم بر این کشور به دنبال خواهد داشت».

این گروه در بیانیه خود گفته است: «مقامات با حماقت و بی‌ملاحظه‌گی‌شان، مردم بحرین را به سوی انتخابی دشوار سوق می‌دهند که پیامدهای وخیمی برای رژیم فاسد دیکتاتورمنش به دنبال خواهد داشت».

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله بحرین بارها حکومت اسلامی ایران و گروه حزب‌الله را به دخالت در امور داخلی خود و دامن‌زدن به اعتراض‌ها متهم کرده‌اند، این در حالی است که تهران این اتهام‌ها را رد می‌کند. ایران و بحرین با هم رابطه دیپلماتیک ندارند.

گزارش‌هایی از کشتار سنی‌مذهب‌ها و غارت اموال آن‌ها توسط شیعه‌مذهب‌ها در شهرهایی که از داعش پس گرفته‌اند، منتشر شده است.

خبرگزاری رویترز در گزارشی تحقیقاتی، با استناد به مصاحبه با شاهدان و نجات‌یافتگان و گفته‌های دیپلمات‌ها و مقام‌های رسمی، می‌گوید اعدام‌ها، شکنجه‌ها و خشونت‌های شبه‌نظامیان شیعه در جریان نبرد برای بازپس‌گیری فلوجه از «داعش»، بیش از چیزی است که مقام‌های آمریکائی به طور علنی از آن سخن گفته‌اند.

رویترز می‌گوید دست‌کم ۶۶ نفر به دست شبه‌نظامیان شیعه کشته شده، ۱۵۰۰ نفر مورد آزار، اذیت و شکنجه قرار گرفته و صدها نفر نیز ناپدید شده‌اند. این گزارش بر اساس گفت‌وگو با ۲۰ نفر از نجات‌یافتگان از قبایل بومی، دیپلمات‌های غربی و مقام‌های عراقی تهیه شده است.

به گفته رویترز شبه‌نظامیان شیعه، از فلوجه خارج نشده و اکنون نیز به شدت مخالفت هر تلاشی برای محدود کردن نقش‌شان در جریان حملات برنامه‌ریزی‌شده علیه «حکومت اسلامی» هستند.

و حال، آنچه این خبرگزاری «ناتوانی آمریکا در جلوگیری از وقوع خشونت‌های قومی» توصیف می‌کند، به «نگرانی عمده مقام‌های دولت باراک اوباما» در نبردهای پیش‌رو علیه «حکومت اسلامی» در موصل تبدیل شده است.

موصل شهری بزرگ در شمال عراق و مرکز اداری استان نینوا است که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد و دومین شهر بزرگ عراق پس از بغداد است.

به گفته گروهی از دیپلمات‌های غربی، این نگرانی وجود دارد که شبه‌نظامیان شیعه، دست به خشونت‌های گسترده‌تری در موصل بزنند؛ شهری که به مراتب بزرگتر از فلوجه است و گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی ساکن آن هستند.

برخی تحلیل‌گران نگران هستند تکرار احتمالی خشونت‌ها در موصل، کار را برای اتحاد و همبستگی شیعه و سنی در سپهر سیاسی عراق مشکل‌تر از هر زمان دیگری کند. یک مقام ارشد دولت اوباما به رویترز گفته این قضیه، به موضوع اصلی تقریباً همه گفت‌وگوها و مذاکرات و دیدارها با مقام‌های عراقی تبدیل شده است.

بنا بر گزارش‌ها نیروهای دولتی عراق، شبه‌نظامیان و ائتلاف بین‌المللی، برای بازپس‌گیری موصل، پس از تابستان آماده می‌شوند. در حال حاضر قوای مسلح دولتی در اطراف موصل هستند، اما بنا بر گزارش‌های پیشین آماده‌سازی‌ها، از جمله آماده‌سازی پایگاه هوایی قراره که قرار است مرکز عملیات باشد، هنوز به‌پایان نرسیده‌است. از نظر قانونی شبه‌نظامیان شیعه که تحت نام کلی «حشد الشعبی» جمع شده‌اند، به‌نخست‌وزیر عراق پاسخگو هستند. اما رویترز می‌گوید گروه‌های اصلی آن‌ها در واقع پرچم و نشان خود را دارند، تنها میان خودشان مسؤول و پاسخگو هستند و مستقیماً تحت مشاوره نیروی قدس سپاه پاسداران ایران قرار دارند.

بر پایه یکی از گزارش‌ها از طریق شاهدان رخدادهای نبرد فلوجه، که با رویترز، کارکنان سازمان ملل و سازمان دیدبان حقوق بشر گفت‌وگو کرده‌اند، «کتابت حزب‌الله» گروهی از شهروندان سنی فراری از نبردهای اطراف فلوجه را زندانی و به‌طور هدفمند شکنجه کرده و تحت آزار قرار داده‌است.

شماری از این شبه‌نظامیان گفته‌اند در حال انتقام‌گیری از کشته‌شدگان حملات حکومت اسلامی به‌غیرسنی‌ها هستند. دسترسی شهروندان نگهداری‌شده به‌آب‌و‌غذا به‌شدت محدود بوده، و در زمانی نگهبانان افراد تشنه را مجبور کرده‌اند ادرار خود را بخورند.

در مجموع گفته می‌شود ۴۹ نفر از این شهروندان کشته شده‌اند.

کتابت حزب‌الله از جمله گروه‌های پر قدرت شیعه است که بنا بر گزارش‌ها از حمایت عمده ایران و به‌طور مشخص نیروهای قدس سپاه پاسداران برخوردار است. این گروه علیه «حکومت اسلامی» فعالیت می‌کند، اما از طرفی در فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده نیز قرار دارد و متهم به‌کشتن کارکنان سازمان ملل نیز هست.

سخن‌گوی کتابت حزب‌الله در واکنش به‌گزارش‌های مربوط، آن‌ها را رد کرده و گفته این اقدامات با هدف جلوگیری از حضور شبه‌نظامیان شیعه در جریان نبردها در انبار و بازپس‌گیری موصل انجام می‌شود. برت مک‌گرک، نماینده ویژه آمریکا در ائتلاف به‌رهبری آمریکا، دو ماه و نیم پیش گفته بود گزارش‌هایی از «جنایت‌های تک‌توک» علیه سنی‌مذهبان در فلوجه وجود دارد.

رویترز می‌گوید اندکی پیش از ارائه گزارش مک‌گرک، فرماندار استاندار انبار، جایی که فلوجه در آن قرار دارد، از ناپدید شدن صدها نفر از کسانی خبر داده بود که شبه‌نظامیان شیعه آن‌ها را بازداشت کرده‌اند.

مقام‌های عراقی و بازرسان ملل متحد، شواهدی را دال بر اعدام‌ها و شکنجه «صدها نفر» از مردان و نوجوانان فلوجه و ناپدید شدن «۷۰۰ نفر» از آن‌ها جمع‌آوری کرده بودند.

از سوئی، در پایان ماه ژوئن، آقای مک‌گرک در جریان نشستی در کنگره آمریکا دریافت گزارش‌ها را تأیید کرده و گفته بود «بسیاری از آن‌ها معتبر نیستند، ولی برخی از آن‌ها معتبر هستند».

مارک تونر، سخن‌گوی وزارت خارجه، گفته دولت آمریکا «چه عیان، چه پنهانی» در مورد این گزارش‌ها ابراز نگرانی کرده است و این موارد در صورتی که پیدا شوند، «کاملاً غیرقابل‌قبول» هستند و کسانی که مسبب آن هستند «باید پاسخ‌گوی اقدام‌های خود شوند».

برت مک‌گرک هنوز واکنشی به گزارش تازه نشان نداده‌است.

شبه‌نظامیان این اتهام‌ها را رد کرده و می‌گویند کسانی که ناپدید شده‌اند «اعضای داعش» بودند.

دولت عراق نیز در واکنش به‌این گزارش تازه، «گسترده‌گی» شکنجه‌ها، اعدام‌ها و آزارها را زیر سؤال می‌برد. به‌گفته معاون مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر عراق، «چند مورد (از آزار و شکنجه‌ها) وجود داشته، اما او می‌گوید «غلو زیادی در مورد برخی از وقایع شده و برخی نیز بی‌پایه هستند».

پیش‌تر نیز به‌گزارش خبرگزاری «باشگاه خبرنگاران جوان» وابسته به صداوسیما ایران، محسن رفیق‌دوست فرمانده اسبق سپاه پاسداران ایران با «اشاره به تشکیل سپاه پاسداران عراق» گفته است: «ما حاضریم با تمام توان به تشکیل آن کمک کنیم و تجربیات خود را به آن‌ها انتقال دهیم».

او مدعی شد: «سپاه پاسداران ما یک الگوی بسیار خوب، موفق و امتحان داده در عرصه‌های بین‌المللی است و می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای کشورهای منطقه باشد».

از سوی دیگر، پیش‌تر محمدصالح جوکار یکی دیگر از فرماندهان سابق سپاه و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم ایران نیز در گفتگو با خبرگزاری مذکور با اشاره به تأکید «سیدعلی یاسری یکی از فرماندهان الحشدالشعبی عراق مبنی بر ضرورت تشکیل سپاه پاسداران عراق»، گفته بود: «عراق هم می‌تواند سپاه پاسداران بومی خود را داشته باشد و از این تشکیلات استفاده کند».

گفتنی است در سال‌های اخیر اعتراضات زیادی به‌محور مستقیم سپاه قدس ایران در عراق صورت گرفته است، به ویژه این‌که شبه‌نظامیان الحشدالشعبی که تحت فرماندهی و نظارت سپاه قدس در عراق فعالیت می‌کنند مرتکب جنایات‌های بسیاری؛ از شکنجه و سربریدن غیرنظامیان گرفته تا آتش‌زدن مساجد و اماکن مسکونی مرتکب شده‌اند. علاوه بر این‌که بارها نسبت به تسویه و اخراج نیروها و افسران سنی از ارتش عراق انتقاد شده و مقامات بی‌طرف شیعه و سنی این کشور از ضرورت تشکیل مجدد ارتش ملی در عراق سخن گفته‌اند.

سیاست‌مداران عراقی نزدیک به حکومت اسلامی ایران، علاقمندند همان‌طور که گروه شبه‌نظامی و ایدئولوژیک سپاه پاسداران در ابتدای تأسیس حکومت اسلامی ایران پس از چندی تبدیل به یک نیروهای نظامی فراگیر و قدرتمند در موازات با رقیب ارتش کلاسیک و ملی این کشور شد و سپس اختیارات و قدرت بسیاری در حوزه‌های مختلف، سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و غیره صاحب شد، در عراق نیز این تجربه تکرار شود.

خبرگزاری مهر خبر داده است که پس از «تشدید درگیری‌ها» در سوریه، قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، از فلوجه عراق به حلب در سوریه رفته است.

به‌گزارش خبرگزاری مهر، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران روز یکشنبه ۳۰ خرداد، در حومه جنوبی حلب، در کنار نیروهای «گروه مقاومت اسلامی نُجباء» حضور داشته، تا در جریان اتفاقات و عملیات اجرا شده قرار گیرد. بر اساس این گزارش، سلیمانی طی روزهای گذشته «برای ارائه مشاوره نظامی و احاطه بر اتاق عملیات شهر فلوجه» در عراق حاضر بوده است.

پیش از این نیز عکس‌ها و فیلم‌هایی از حضور قاسم سلیمانی در سوریه و عراق منتشر شده است. در همین حال نماینده رهبر حکومت اسلامی در سپاه پاسداران گفت: «اگر عربستانی‌ها دست از سر مردم عراق بردارند و در این کشور امنیت برقرار شود، دیگر نیازی به حضور سردار سلیمانی در آن کشور نخواهد بود». علی سعیدی، در مصاحبه با شبکه «العالم»، وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی، تأکید کرد که عربستان سعودی از «آزادی» فلوجه «ناراحت» شده است.

او همچنین اتهام‌ها درباره «انتقام‌گیری» نیروهای «حشد الشعبی» ائتلاف شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران، از اهل سنت در فلوجه را رد کرد و افزود: «در آزادسازی فلوجه تصمیم این‌گونه بود که تلفات حداقلی باشد و همه مردم از هر مذهبی از فلوجه محاصره شده خارج شوند».

ثامر السبهان، سفیر عربستان سعودی در بغداد، به‌تازگی در حساب کاربری خود در توئیتر نوشته است که «حضور شخصیت‌های تروریست ایرانی در نزدیکی فلوجه به‌وضوح نشان می‌دهد که آن‌ها می‌خواهند عراقی‌های عرب را در آتش فرقه‌گرایی بسوزانند».

السبهان همچنین در مصاحبه با شبکه تلویزیونی السومریه گفت: «نیروهای حشد الشعبی (ائتلاف شبه‌نظامیان شیعه عراقی که از سوی ایران حمایت می‌شوند)، باید جنگ با تندروها را به‌نیروهای ارتش و امنیتی عراق بسپارند تا جلوی تشدید تنش فرقه‌ای گرفته شود».

در پی این اظهارات، وزارت امور خارجه عراق، سفیر عربستان سعودی، در بغداد را احضار و یادداشت اعتراض‌آمیزی به‌سخنانش تسلیم او کرد.

ابراهیم الجعفری، وزیر امور خارجه عراق، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایرنا سفیر عربستان سعودی در بغداد را به‌دخالت در امور داخلی عراق متهم کرده و گفته بود که تحرکات این سفیر، با چارچوب مسؤولیت‌هایش منافات دارد.

حکومت اسلامی ایران، در حالی که کشورهای عربی سرگرم مشکلات داخلی خود بودند و خلأیی که با سقوط حزب بعث عراق به‌وجود آمد از این فرصت بهره برد و نفوذش را گسترش داد و امنیت و ثبات و امنیت ملی عربی به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را تهدید کرد.

سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، با تشکیل هسته‌ها و مراکز قدرتمند را آغاز کرد و ائتلاف‌های راهبردی تشکیل داد و از متحدانش در منطقه از عراق گرفته تا لبنان، سوریه و یمن حمایت کرد.

شکل‌گیری ائتلافی از کشورهای عربی به‌رهبری عربستان برای حمله به‌حوئی‌ها در یمن، نقطه تحول راهبردی برای مقابله با پیشروی حکومت اسلامی ایران و نابودی حوئی‌ها بود. این عملیات نقطه تحولی در ماهیت رقابت منطقه‌ای بین عربستان و ایران است تا از طریق آن ویژگی‌های جدید منطقه خاورمیانه به‌ویژه منطقه عربی و دقیقاً کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شکل بگیرد.

در واقع با به‌قدرت رسیدن ملک سلمان در عربستان، این کشور روابطش را با متحدانش ترمیم کرد، ائتلافی در خلیج فارس و منطقه عربی تشکیل داد و سیاست بازدارندگی پیش‌دستانه امنیتی و دفاعی را دنبال کرد تا با پیشروی شیعی به‌رهبری حکومت اسلامی ایران مقابله و آن را متوقف کند. ایران تلاش می‌کند حاکمیت و سلطه‌اش را بر منطقه عربی تحمیل کند.

همچنین عربستان توانست از طریق ساخت و فعال‌سازی راهبرد پیشگیرانه با همه تهدیدها، چالش‌ها و خطرات پیرامون منطقه خلیج فارس یا منطقه عربی مقابله کند. این راهبرد از طریق تشکیل نیروهای ائتلاف عربی برای مقابله با حوئی‌ها پس از کودتای آن‌ها در یمن، نمایان شد.

با توجه به‌تحولاتی که منطقه عربی و منطقه خلیج فارس بر اثر اختلال در موازنه قدرت از نظر سیاسی و نظامی، صعود نیروهای منطقه‌ای و کاهش نقش و جایگاه منطقه‌ای برخی کشورهای بزرگ عربی شاهد بود «عملیات طوفان قاطعیت» برای ساماندهی مجدد نقش‌ها و محاسبات همه نیروها آغاز شد. این عملیات مفاهیم و موازنه سیاسی، نظامی و اقتصادی را در منطقه خاورمیانه بازترسیم کرد و پیام قوی به‌همه نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی داد با این محتوا که کشورهای عربی می‌توانند منافع و امنیت و ثبات کشورهایشان را حفظ کنند.

در دایره المعارف بریتانیا (۲۰۰۲) چنین آمده است: طی قرن‌ها، جنبش شیعی تمام اسلام سنی را تحت تأثیر قرار داده است و تعداد طرفدارانش در اواخر قرن بیستم حدود ۶۰ الی ۸۰ میلیون یا یک دهم کل مسلمانان جهان است. تشیع،

مذهب اکثریت مسلمانان ایران، عراق و احتمالاً یمن بوده و پیروان زیادی در سوریه، لبنان، شرق آفریقا، هند، پاکستان و افغانستان دارا می باشد. (دایره المعارف بریتانیکا ۲۰۰۲، نسخه دولوکس)

آمار دقیقی درباره تعداد مسلمانان بهطور عموم و شیعیان بهطور خاص وجود ندارد و آنچه ذکر می شود بر اساس بیش تر منابع موجود است که در مقابل آن دیدگاه های دیگری نیز وجود دارد. مطابق برخی منابع، شیعیان، یازده درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهند بدین سان، جمعیت کنونی شیعیان باید حدود ۱۳۲ میلیون نفر باشد و طبق برخی منابع شیعیان ۲۳ درصد کل مسلمانان را تشکیل می دهند. (سید مصطفی قزوینی، تحقیق هائی درباره شیعه، صفحه ۴) توزیع جمعیت شیعیان در برخی از کشورهای آسیائی که دارای اکثریت و یا درصد قابل توجهی از شیعیان می باشد طبق آمارهای مربوط به سال ۱۹۹۸ میلادی از این قرار است:

افغانستان: مسلمانان اهل سنت ۸۴ درصد و شیعیان ۱۵ درصد و پیروان سایر ادیان یک درصد، بیش از ۹۸ درصد جمعیت شیعی افغانستان شیعه دوازده امامی و کمتر از دو درصد آن اسماعیلی هستند.

آذربایجان: مسلمانان شیعه ۷۰ درصد، و اهل سنت ۳۰ درصد را تشکیل می دهند.

بحرین: مسلمانان شیعه، ۶۱/۳ درصد و اهل سنت ۲۰/۵ درصد و بقیه پیرو ادیان دیگر می باشند، مطابق آمارهای دیگر شیعیان بحرین ۷۰ درصد می باشند که این عده جمعیت بومی بحرین را تشکیل می دهند. (شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، صفحه ۱۲۰)

ایران: این کشور یکی از قطب های بزرگ جهان تشیع به حساب می آید که از جمعیت ۷۰ میلیونی آن ۹۴ درصد را شیعیان دوازده امامی و بقیه را پیروان مذاهب اهل سنت و ادیان دیگر تشکیل می دهند.

عراق: شیعیان ۶۲/۵ درصد و اهل سنت ۳۴/۵ درصد و بقیه را پیروان سایر ادیان تشکیل می دهند.

هند: کل جمعیت حدود یک میلیارد نفر که از این تعداد مسلمانان اهل سنت ۹ درصد و شیعیان ۳ درصد و بقیه را پیروان ادیان دیگر تشکیل می دهند.

کویت: شیعیان ۳۰ درصد و اهل سنت ۴۵ درصد و بقیه را پیروان دیگر ادیان تشکیل می دهند.

لبنان: شیعیان ۳۴ درصد و اهل سنت ۲۱/۳ درصد و مسیحیان ۳۷/۶ درصد را تشکیل می دهند.

پاکستان: شیعیان ۲۰ درصد و ۷۵ درصد غیر شیعه.

سوریه: مسلمانان اهل سنت ۷۴ درصد و شیعیان ۱۲ درصد.

یمن: مسلمانان اهل سنت ۶۰ درصد و شیعیان حدود ۴۰ درصد.

ترکیه: ۱۹/۸ درصد؛

امارات متحده عربی: ۱۶ درصد؛

تاجیکستان: ۵ درصد، و ... شیعیان را در خود جای دادند.

افزون بر این مناطق سنتی شیعه نشین، در سایر نقاط جهان نیز شیعیان پراکنده هستند. در قسمت شرق آفریقا مثل کنیا، تانزانیا و کشورهای مشترک المنافع، نزدیک به سیصد هزار نفر از اسماعیلیان از هند و پاکستان به این منطقه عزیمت کرده و ساکن گردیده اند.

در آفریقای غربی (سنگال، ساحل عاج) به جوامعی از شیعیان لبنان بر می خوریم که از دوران قیمومت فرانسه به آنجا آمدند این عده به چند صد هزار نفری بالغ می شوند. و بالاخره در قاره آمریکا، جوامعی از شیعیان لبنانی و ایرانی و غیره را مشاهده می کنیم.



در واقع نتیجه سرکوب انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران، ظهور نخستین دولت شیعه بود و موجب شد در بعضی کشورهای اسلامی هراس از این به وجود آید که حرکت «شیعه» ممکن است به زودی به مرزهای آن‌ها برسد.

تاکنون شماری از تحلیل‌گران غربی ادعا کرده‌اند که جنگ شهری سوریه و ظهور گروه‌های تندرو در خاورمیانه یک پیروزی بزرگ برای ایران به‌شمار می‌رود و اکنون همین منطق در مورد بحران عراق به‌کار می‌برند.

بهار عربی که حکومت اسلامی ایران، نخست از آن استقبال کرده بودند، به‌بزرگترین کابوس آن‌ها تبدیل شده است. این با جنگ شهری در سوریه آغاز شد، جایی که اکثریت سنی علیه حکومت علوی بشار اسد به‌پا خاستند. ایران و متحد لبنانی‌اش یعنی حزب‌الله به‌سختی تلاش کردند تا مانع سقوط اسد شوند و تمامی نشانه‌ها تاکنونی حاکی از آن است که در کار خود موفق بوده‌اند، زیرا اسد همچنان در قدرت است.

بسیاری در غرب ادعا می‌کنند که این تحولات به‌نفع ایران تمام شده زیرا وابستگی اسد به‌تهران را افزایش داده است. این درست است اما باید به‌این نکته توجه داشت که حفظ اسد در سوریه از همه نظر برای ایران و حزب‌الله هزینه سنگینی داشته است.

ایران همچنان نیز باید هزینه‌ها را پرداخت کند. شاید بیش از شخص اسد، حفظ هلال شیعی برای ایران اهمیت داشته باشد که سال‌های زیادی را صرف پدید آمدن آن کرده است. این هلال شیعی دسترسی تهران به‌حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی در غزه را آسان می‌کند و به‌قدرت‌های سنی مانند عربستان سعودی اجازه می‌دهد که انرژی خود را برای تحت فشار قرار دادن ایران در نزدیکی مرزهای عراق صرف کنند.

هرچند به‌نظر می‌رسد که تهران اسد را در قدرت حفظ کرده است و دمشق به‌ایران وابسته‌تر شده است، موقعیت ایران به‌سختی ارتقاء یافته است. اسد نیز در سال‌های آینده باید برای بازسازی کنترل خود بر کشورش تلاش کند. از سوی دیگر گروه‌های سنی نیز بر بخش‌هایی از سوریه مسلط خواهند شد.

به‌عقیده من بزرگترین مصیبت برای مردم ایران، جنگ‌های سوریه و عراق ظهور فرقه‌گرایی در منطقه و جهان عرب بوده است. باز هم برخی در غرب ادعا می‌کنند که ایران از فرقه‌گرایی نفع می‌برد زیرا به‌این ترتیب تهران می‌تواند در قامت مدافع جمعیت شیعه منطقه ظهور کند.

اما فرقه‌گرایی در منطقه یک تهدید امنیت ملی برای ایران و منطقه به‌شمار می‌رود و می‌تواند نفوذ این کشور در خاورمیانه را کاهش دهد.

باتوجه به‌قدرت نظامی ایران و محدودیت‌های اقتصادی آن در مقایسه با قدرت‌های سنی، قدرت نرم، موثرترین ابزار ایران برای نفوذ در خاورمیانه به‌شمار می‌رود و لازمه آن نیز کاهش فرقه‌گرایی در منطقه است.

از زمان جنگ عراق تاکنون، تعارضات فرقه‌ای میان شیعه و سنی به‌یکدیگر از مهم‌ترین اختلافات سیاسی در خاورمیانه تبدیل شده است. این اختلافات جنگ‌های متعددی را در لبنان، سوریه، عراق و یمن به‌پا کرده و منجر به‌احیاء گروه‌های تروریستی و بروز گروه‌هایی چون داعش و تشدید اختلافات میان ایران و عربستان شده است.

اگرچه اختلاف شیعه و سنی سابقه‌ای طولانی دارد و به‌قرن‌ها پیش باز می‌گردد، اما فرقه‌گرایی را نباید به‌عنوان تعارضی قلمداد کرد که از منظر مدرن تبعیت نمی‌کند. تعارضات خشونت‌بار جاری در خاورمیانه پدیده‌ای مدرن و محصول سیاست‌های معاصر جهان سرمایه‌داری است.

اولین شعله‌های فرقه‌گرایی در خاورمیانه به‌اسلام‌گرایی باز می‌گردد. این ایدئولوژی که در دهه سوم قرن بیستم شکل گرفت، به‌دنبال یک دولت اسلامی ایده‌آل بر پایه قوانین اسلام و شریعت بود. اما دولت اسلامی در نگاه شیعه و سنی متفاوت است.

این فرقه‌گرایی در عدم تقارن میان سنی و شیعه در عمده کشورهای عربی به چشم می‌خورد. در حالی که عمده جمعیت سوریه را سنی‌ها شکل می‌دادند، دولت در دست اقلیت علویان بود. در بحرین و عراق نیز که عمده جمعیت اهل تشیع بودند، سنی‌ها قدرت را در دست داشتند.

با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و بروز بهار عربی در ۲۰۱۱، نظم جهان عرب به چالش کشیده شد و فرقه‌گرایی پنهان شده در لایه‌های زیرین البته با حمایت قدرت‌های برگ جهانی و منطقه‌ای فرصت فعالیت پیدا کرد. شیعیان عراق و بحرین و سنی‌های سوریه خواستار تغییر در وضعیت دولت خود شدند.

از زمان جنگ عراق، منافع فرقه‌ای بر گفت‌وگوهای سیاسی منطقه حاکم شده است. در حالی که ریاض و قاهره سرکوب‌ها را در سوریه برجسته می‌کردند، تهران و بغداد سرکوب شیعیان در بحرین را مورد توجه قرار می‌دادند. حتی ترکیه به‌ظاهر سکولار نیز از جهت‌گیری‌های فرقه‌ای فارغ نبود.

حاکمان کشورهای عرب از فرقه‌گرایی برای شکست‌دادن خواست عمومی تغییر استفاده کردند. این رویکرد جنبش‌های مخالف را بیش از پیش از یکدیگر دور کرد و امید رسیدن به وحدت را از میان برد. این استراتژی دولت‌ها برای بقای خویش، با هزینه‌های سنگینی روبه‌رو شد.

در حالی که بحرین توانست با موفقیت نیروهای شیعه خود را سرکوب کند، عراق و سوریه درگیر جنگ داخلی شدند. این جنگ‌ها مسیر را برای شکل‌گیری داعش فراهم کرد.

در خاورمیانه در کنار فروپاشیدن نظم منطقه‌ای منجر به تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ منطقه یعنی ایران، عربستان و ترکیه شده است. هر یک از این طرف‌ها تلاش می‌کنند که در خلاء قدرت به‌وجود آمده سهم بیشتری را از آن خود کنند و منافع خویش را پیش ببرند.

روزنامه دیلی صباح ترکیه گزارش داده است؛ صدمین سالگرد توافق‌نامه سایکس پیکو، معاهده محرمانه بین بریتانیا و فرانسه برای تعریف حوزه‌های پیشنهادی خود برای نفوذ در خاورمیانه پسا عثمانی بود. این توافق برای یک مدت طولانی در بحث و جدل‌های عمومی مطرح بوده است. بعد از انقلاب بلشویکی، «لئون تروتسکی» کمیسر روابط خارجی وقت، برای برملا کردن دستور کار پنهان امپریالیست‌ها، این معاهده را فاش کرد. در طول چندین سال، سایکس پیکو یک مرجع مشترک برای محققان و سیاست‌مداران بوده است.

گرچه این پیمان مخفی دقیقاً مرزهای خاورمیانه مدرن را شکل نداد، تصورات غلط ناشی از آن موثر واقع شد. در حقیقت اعلامیه «بالفور» (۱۹۱۷) تأثیر بسیار بیشتری بر منطقه داشته است. به‌همین ترتیب، بر اساس معاهده «سور» که در سال ۱۹۲۰ امضا شد، کلیه سرزمین‌های عرب عثمانی از قلمرو آن جدا شدند. با این حال، توافق سایکس پیکو به عنوان اولین تلاش در تاریخ برای تکه‌تکه کردن زمینی میان متحدان محسوب می‌شود.

اگر توافق سایکس پیکو پیامدهای عملی محدودی داشت، چرا جهان دوباره صحبت در مورد آن را آغاز می‌کرد؟ این صحبت‌ها زمانی آغاز شد که داعش به‌طور موثر مرز سوریه و عراق را در ژوئن ۲۰۱۴ پاک و ادعا کرد که «نظم سایکس پیکو فروپاشیده است».

در طول جنگ جهانی اول، بریتانیا و فرانسه با یک نقشه راه امپریالیستی و در راستای هدف قرار دادن کشورهای مستقل به‌خاورمیانه نزدیک شدند. نظم منطقه‌ای که آن‌ها ایجاد کردند به‌گسترش تروریسم گسترده، جنگ‌های نیابتی و درگیری‌های فرقه‌ای منتهی شده است. با در نظر داشتن این‌که خاورمیانه در طول قرن گذشته چه رنج‌هایی را متحمل شده است، مردم از خود می‌پرسند که آیا واشنگتن و مسکو در حال شکل دادن به‌نظم منطقه‌ای جدی هستند. اقدامات

دولت اوباما در سوریه و همچنین شماری از تحولات اخیر در خاورمیانه سؤالاتی را در مورد آینده منطقه ایجاد کرده است.

اختلاف باطل بین سنی و شیعه ۱۴۰۰ سال است که جامعه خاورمیانه را مسموم کرده است؛ و در حال بدتر شدن است. بی‌شک پس از درگذشت پیامبر مسلمانان محمد، اختلافی بر سر رهبری دینی به‌وجود آمد. گذشته از جزئیات تاریخی، اختلاف سنی و شیعه تا حد زیادی یک اختلاف سیاسی بود. هیچ دلالت مذهبی صریحی وجود نداشت مگر تا قرن ۱۰ و ۱۱ میلادی که راست‌کیشی‌ها مستحکم شد و یک اسلام سنی متمایز از یک اسلام شیعی شکل گرفت، و با توسعه سنت‌های فقهی و تفسیری متمایزشان منجر به‌مسیرهای جدا از هم شد.

مرزهای بین سنی و شیعه همیشه مبهم بوده است... برای مثال، هم سنی‌ها و هم شیعیان اشخاص یکسان فراوانی را در تاریخ تکریم می‌کنند و به‌خود منتسب می‌دانند. مسلمانان سنی، بسیاری از ائمه شیعه اثنی‌عشری را به‌عنوان اشخاص متقی و راست‌آئین می‌شناسند. هویت‌ها هم متغیر بود، آن‌چنان‌که انقلابی که عباسیون را در قرن ۹ بر سر قدرت نشانده به‌عنوان یک حرکت قویا شیعی آغاز شد و پایانی شدیداً سنی یافت.

انشعاب سنی و شیعه عملاً تنها برای کسانی قابل فهم است که به‌طور کلی با اسلام بسیار آشنا هستند.

تفاوت‌هایی در نحوه اجرای اعمال دینی (مثلاً، چگونگی اجرا و وقت نماز) وجود دارد. تفاوت‌هایی نیز در چگونگی ارزیابی و تفسیر متون مقدس وجود دارد؛ بلکه این تفاوت‌ها مهم است، اما از لحاظ تاریخی، این اختلاف‌ها محل بحث علمی بوده است نه جدال نظامی. در مواقعی سنی‌ها و شیعه‌ها علیه یکدیگر جنگیده‌اند. قرن ۷ یکی از این مواقع نبوده است. اما مواقعی هم بوده است که شیعه‌ها علیه شیعه‌ها و سنی‌ها علیه سنی‌ها جنگیده‌اند.

عربستان سعودی و ایران، مهم‌ترین قدرت‌های حاضر در خاورمیانه هستند، و از زمان انقلاب ایران در دهه ۱۹۷۰، هر دو دولت برای کسب قدرت و امتیاز بیش‌تر با یکدیگر وارد رقابت مداوم کرده‌اند.

جدال در خاورمیانه، بیش از این‌ها، بر سر منابع و نفوذ است؛ این جدال بی‌شک با گفت‌وگوهای مذهبی رقم می‌خورد، با این وجود گفت‌وگوهایی که به‌قدرت می‌توان آن را دارای ارزش جدی دانست.

اولین‌بار در سال ۱۹۷۳ بود که شیعیان امروزی «علوی‌ها» (فرقه مذهبی که خانواده اسد به‌آن تعلق دارد) را به‌عنوان شاخه‌ای از اسلام شیعی به‌رسمیت شناختند. «موسی الصدر» روحانی بلندپایه شیعی در لبنان، فتوایی صادر کرد، که به‌وسیله آن به‌قرن‌ها ابهام پایان داد. تا پیش از آن، علوی‌ها جمعیت ناشناخته‌ای بودند. این مذهب قطعاً متأثر از اسلام بود، اما تحت تأثیر مکاتب متعدد دیگری نیز بود، و سنی‌ها و شیعه‌های راست‌کیش نسبت به‌این سنت بسیار مرموز بدگمان بودند. فتوای صدر همان‌قدر که ملهم از سیاست بود ملهم از تقوا هم بود، اما این فتوا طبیعت شکاف‌خورده دین و قدرت را در خاورمیانه برجسته می‌کند، شکافی که امروز در سوریه از همه جا آشکارتر است.

«جیمز گلوی»، یکی از اساتید دانشگاه و مولفانی که درباره خاورمیانه و بهار عربی پژوهش کرده است، می‌گوید که «اسم این کار مشروعیت از طریق باج خواهی است». او برای من ربط یک هویت شیعه برای رژیم اسد را توضیح می‌دهد؛ «کاری که دولت سوریه کرده است این است که با همسان کردن دولت با یک فرقه مشخص، خودش را پایدار کرده است، کاری که آن‌ها کرده‌اند دیگر اعضای آن فرقه را مجبور به‌حمایت از دولت کرده است». این تاکتیک نه فقط در سوریه، بلکه در بحرین نیز رایج است.

اما واضح است که فرقه‌گرایی یک از عناصر این جنگ است؛ شاید کسی برای برانگیختن بحث استدلال کند که توصیف این جنگ به‌عنوان جدال سنی و شیعه، نادقیق نیست.

جیمز گلین، که وسیع‌تر درباره ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی بهار عربی نوشته است، معتقد است که «این منطقه از نظر اقتصادی راکد بوده است. جمعیت جوان فراوان و بیکاری وجود دارد که تحت سلطه رژیم‌های فوق‌العاده سرکوبگر زندگی می‌کنند».

**جیمز گلین، به‌درستی می‌افزاید: «در مورد خاورمیانه، اولین طنابی که افراد به‌آن چنگ می‌زنند دین است. آن‌ها در مورد غرب چنین کاری نمی‌کنند. اگر مشکلی وجود دارد، این مشکل ملی نیست، مشکل اقتصادی نیست، باید آن را به‌دین گره بزنند. این نوع تحلیل، سهل‌الوصول، ساده‌انگارانه، و کاهلانه است.»**

توافق هسته‌ای نیز بر آتش اختلافات دمیده است. عربستان این توافق را به‌مثابه گردش و اشنگتن به‌سوی ایران تلقی می‌کند. این گردش نه تنها موقعیت ایران، بلکه موقعیت تشیع را در منطقه تقویت می‌کند.

اکنون در میان حاکمان خاورمیانه نیز هیچ تلاش جدی مبنی بر پایان دادن به‌این اختلافات مشاهده نمی‌شود. ایران و عربستان وارد جنگ مستقیم با یکدیگر نشده‌اند. اما به‌احتمال قوی در آینده این دو کشور در هر صحنه ممکن برای دفاع از منافع خویش، در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت.

در واقع حکومت اسلامی ایران سال‌هاست که به‌دنبال تسلط بیشتر بر همسایه ثروتمند خود، یعنی عراق است و از همان استراتژی حکومت حافظ اسد در تسلط کامل بر همسایه‌اش لبنان استفاده می‌کند، که مداخله به‌بهانه نجات از جنگ داخلی و پس از آن مبارزه با اسرائیل بود. در حقیقت، تمامی این جنگ‌ها برای تحمیل نفوذ و بهره‌مندی است.

به‌بهانه نجات عراق از سازمان داعش، قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران وارد عراق شد، و اینک در اختلافات بین نیروهای عراقی دخالت می‌کند. نیروهای عراقی با وجود اختلافات از خطرات پشت مداخله نمایندگان حکومت اسلامی ایران در اداره امور کشورشان غافل نیستند و از وجود طرحی برای تسلط بر تصمیمات دولت خود آگاه هستند، اما مانند رهبران لبنانی، به‌جزئیات اختلافات مشغول می‌شوند.

خطرناک‌ترین کاری که ایرانی‌ها کردند ایجاد شبه‌نظامیانی موازی ارتش به‌نام «بسیج مردمی» بود که اکثریت آن را گروه‌های افراطی تشکیل می‌دهند، که از آن جمله می‌توان «نیروهای وعد الله»، «عصائب الحق»، «سرایا الجهاد»، «سرایا عاشواء»، «فرقه العباس» و غیره را نام برد، که افراطگرایی آن‌ها از گروه‌های سنی افراطی مانند «القاعده» و «داعش» در عراق کمتر نیست. به‌طوری که به‌جانیاتی مانند آتش‌زدن روستاهای سنی تا عملیات اعدام آوارگان از مناطق درگیری دست زدند.

حکومت اسلامی ایران، رهبران این شبه‌نظامیان را برای تضعیف ارتش عراق به‌کار می‌برد. حتی وزیر دفاع، خالد العبیدی، که یک سنی از اهالی موصل است، درگیر اختلافات با رهبران سنی است، و حضور او تنها نمایشی است و وزیری بدون اختیارات واقعی است.

با افزایش فعالیت اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران، و افزایش تعداد افراد سپاه پاسداران ایران که از مرزهای عراق عبور کردند، و نزدیک‌تر شدن سران ایران به‌دخالت در امور بغداد، این احتمال وجود دارد که عراق در نهایت به‌سوی رویارویی با ایران کشیده شود.

**شایان ذکر است که حکومت اسلامی ایران، پیش‌تر گروه‌های فرقه‌ای شیعه مانند «فاطمیون» از افغان‌ها، «زینیون» از پاکستانی‌ها، حزب‌الله لبنان و حرکه النجباء عراق را تشکیل داده و مسلح کردند. این گروه‌های فرقه‌ای هم‌اینک تحت فرماندهی سپاه پاسداران ایران در حمایت از حکومت بشار اسد در حال جنگ هستند.**

در سال‌های آینده، احتمالاً یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی برای خاورمیانه جنگ فرقه‌ای و داخلی است. این روند در سوریه متولد و به‌عراق، لبنان، ترکیه و اردن کشیده شده است. در این میان، هیچ کشوری در خاورمیانه از عواقب این

جنگ فرقه‌ای در حال شکل‌گیری در امان نخواهد بود و این در حالی است که به‌تعمیق انداختن اقدامات برای کاستن از بحران فرقه‌ای پیش روی منطقه ممکن است حل و فصل آن در آینده را غیرممکن سازد. قدرت‌های منطقه‌ای، یعنی ایران، ترکیه، مصر، عربستان سعودی و عراق، همگی به شعله‌ور شدن جنگ‌های فرقه‌ای دامن می‌زنند.

تمرکز غرب در مورد خاورمیانه روی موضوع داعش و جنگ سوریه است. اما این‌ها تنها بخشی از مشکل بزرگتر خاورمیانه هستند. حتی پایان موفقیت‌آمیز جنگ سوریه نیز نمی‌تواند رقابت ایران و عربستان و تعارضات فرقه‌ای را در این منطقه از میان بردارد.

سوالی که در این‌جا مطرح می‌شود این وضعیت سرانجام کجا به‌پایان خواهد رسید؟ خاورمیانه به‌نظمی جدید نیاز دارد، هم اکنون سیستم خودگردان دموکراتیک و دموکراسی مستقیم در روژاوا، در پنج سال گذشته تجارب مثبت و دستاورهای ارزنده آن در مقابل ماست بهترین گزینه برای خاورمیانه و منطقه است.

شنبه ششم شهریور [سنبله] ۱۳۹۵ - بیست و هفتم اگست ۲۰۱۶